

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۴

بررسی عناصر حماسی در رباعیات پس از انقلاب اسلامی* (علمی - پژوهشی)

دکتر حمید جعفری قریه‌علی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

دکتر زهرا غریب حسینی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

مهدی خدادادی

دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

چکیده

یکی از جنبه‌های درخور توجه و قابل طرح در جریان رباعی سرایی امروز در مقایسه با رباعیات قبل از انقلاب اسلامی، در آمیختن حماسه با رباعی است که برگرفته از شرایط خاص اجتماعی است. تحولات جدید در عرصه انقلاب اسلامی و رخداد عظیمی نظیر جنگ تحمیلی عراق، سبب شده است لحن حماسی در انواع شعر فارسی و از آن جمله رباعی امروز، به گونه‌ای بسیار جدی و اثرگذار بروز کند. بسیاری از رباعی سرایان، با روی آوردن به موضوعاتی از قبیل شهادت طلبی، آرمان‌خواهی و رزم‌آوری به این قالب فشرده ادبی، حیاتی نو بخشیدند. در این پژوهش تلاش می‌شود که گونه‌های نوآوری رباعی در حوزه زبان و محتوا، با توجه به زمینه‌های تأثیرگذاری رخدادهای انقلاب؛ به‌ویژه مسئله جنگ تحمیلی و بالطبع نفوذ حماسه در این قالب ادبی بررسی و تحلیل شود. حاصل این پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به رویکردهای مذهبی مردم و تأثیرپذیری انقلاب اسلامی از قیام عاشورا، رباعی نیز از حماسه کربلا تأثیر پذیرفته و رخدادهای آن به گونه‌ای نو در این قالب ادبی بیان شده است.

واژه‌های کلیدی: رباعی، حماسه، انقلاب اسلامی، نوآوری.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۳/۳

hzer1345@yahoo.com

khodadadimahdi33@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۹/۱۴

نشانی پست الکترونیک نویسندگان:

۱- مقدمه

مهم‌ترین تحول در شعر دهه شصت، ورود حماسه در همه قالب‌های شعری بود؛ از آنجا که جامعه نیاز به شور و هیجان و حضور مردم در صحنه‌ها داشت، شعر نیز باید مهیج و انقلابی می‌شد و طبعاً حماسه به خوبی از عهده تهییج و برانگیختن احساسات مردم برمی‌آمد. از سوی دیگر چون انقلاب اسلامی انقلابی نوپا بود و نیاز به جایگاهی برای واگویی کردن آرمان‌ها و همچنین روایت مجاهدات مبارزان و افتخارات آنها برای نسل‌های بعد داشت، از شعر و ظرفیت‌های آن بهره گرفت. «حماسه هر ملتی بیان‌کننده آرمان‌های آن ملت است و مجاهدات آن ملت را در راه سربلندی و استقلال برای نسل‌های بعدی روایت می‌کند» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۴۷).

در این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی، چگونگی تأثیر تحولات انقلاب اسلامی در رباعی و پی‌آمد آن، شیوه بهره‌گیری این قالب ادبی از عناصر حماسی در پیوند با این تحولات بررسی می‌شود؛ در واقع به نوعی با بهره‌مندی از اصول سبک‌شناسی و در نظر گرفتن نشانه‌های درون‌متنی تلاش می‌گردد به برجسته‌ترین خصیصه رباعیات انقلاب اسلامی که قطعاً نشانه‌های سبکی نو در رباعی سرایی فارسی است، پرداخته شود.

۱-۱- بیان مسئله

رباعی، یکی از قالب‌های شعری است که بعد از انقلاب دچار تحول گردید و حیاتی دوباره یافت. یکی از دلایل تحول رباعی، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی است. شاعران انقلاب، برای دمیدن روح رزم‌آوری و شهادت‌طلبی در جامعه از ویژگی‌های حماسی در شعر خود بهره بردند.

شاعران انقلاب، برای برانگیزانندگی و تهییج، نیاز به قالب شعری داشتند که هم بتواند ظرفیت ویژگی‌های حماسی را برتابد و هم کوتاه و صریح باشد: «کسی که حرفی برای گفتن دارد، به دنبال قالبی هماهنگ و متناسب با جنس حرف خود می‌گردد» (همان: ۶۳-۶۴).

به‌طور کلی رباعیات پس از انقلاب به این درونمایه‌ها پرداخته‌اند: ستایش مردم، ستایش شهدا، ستایش مجاهدان و ایثارگران، ستایش بزرگان انقلاب، ستایش سرزمین و وطن، ستایش آزادی و عدالت، درس‌های عاشورایی، تهییج و ترغیب

رزمندگان، امید به آینده، پیروزی حق بر باطل، بیگانه ستیزی، عرفان حماسی، اغراق حماسی، نگاه جدید به مرگ، دعوت به مبارزه و دفاع، رجزخوانی، شعارهای انقلابی و خوارداشت دشمنان. رد پای تحوّل رباعی را می‌توان در عوامل زیر جست‌وجو کرد: روح و لحن حماسی، اصطلاحات حماسی و رزمی، نمادهای حماسی ملی و اسطوره‌ای، نمادهای، اسلامی و دینی و نمادهای عاشورایی.

۱-۲- پیشینه پژوهش

در کتاب شعر امروز، سیدحسن حسینی، قیصر امین‌پور و محمدرضا سهرابی- نژاد از پیشگامان تجدید حیات رباعی معرفی شده‌اند (باقری، ۱۳۷۲: ۲۲۱)؛ همچنین در این کتاب آمده است که تناسب آهنگ و طنطنه موجود در وزن رباعی با حماسه سرایی، مورد توجه شاعران نسل انقلاب واقع شده است (همان: ۲۳۰). در مقدمه کتاب رباعی امروز، یکی از دلایل گردآوری منتخبی از رباعیات امروز، تحوّل درونی قالب رباعی و تجدید حیات این قالب ادبی برشمرده شده است (عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۶۵).

در کتاب سنت و نوآوری در شعر معاصر، در بخش‌های مختلف کتاب با پرداختن به دگرگونی‌های ادبیات بیان شده است که ادبیات برای اینکه بتواند جامعه و جهان دگرگون را به خوبی منعکس کند، باید خود دگرگون شود (امین‌پور، ۱۳۸۶: ۳۷۵). امین‌پور با اشاره به رباعی‌های فرخی یزدی می‌نویسد: رباعی‌هایش را غالباً قالبی برای انتقادهای سیاسی، شعارهای اجتماعی و... قرار داده است (همان: ۳۴۱). شعرهای اینگونه شعرا به دلیل حضور فعال در صحنه انقلاب و مبارزه و سیاست، غالباً لحن شعاری، هشدارگونه، خطابی و دستوری دارند (همان: ۳۴۱). در کتاب گونه‌های نوآوری در شعر معاصر، به گونه‌ای به تحولات فرم و محتوا در شعر معاصر پرداخته شده است. نویسنده معتقد است شرایط ویژه انقلاب و جنگ، بسیاری از واژه‌ها و تعبیرات تازه از جنس آتش و خون و شهادت را وارد شعر کرد (حسن‌لی، ۱۳۸۶: ۴۳۶).

۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

از دید بسیاری، ادبیات صرفاً کارکردی هنری دارد و به‌طور معمول از منظر زیبایی‌شناسی به آن توجه می‌شود. این پژوهش، از آن روی اهمیت دارد که

کارکرد ادبیات را در بازتاب گوشه‌های از تاریخ مبارزه ملت ایران نشان می‌دهد و بیان می‌کند که چگونه نوعی از انواع شعری با بهره‌گیری از نمادهای اسلامی و ملی، به روشنی وظیفه برانگیختن مردم را برای رسیدن به آرمان‌های خود بر عهده می‌گیرد.

۲- بحث

۲-۱- حماسه و مضامین حماسی

حماسه، یکی از انواع ادبی و داستان و روایتی است با زمینه قهرمانی و رنگ قومی و ملی؛ وجود انسان‌های آرمانی و برتر که برگزیده و ممتاز هستند و رویدادهای خارق‌العاده از ویژگی‌های آن است.

مضامین حماسی که به‌طور معمول در آثار حماسی دیده می‌شود، عبارتند از: رزم، رزم افزاری، سپاه‌آرایی، مبارزه‌جویی، شکست، دفاع، پیروزی، پیمان، کشتار، کین‌خواهی، اسارت و فرار (ده بزرگی، ۱۳۸۸: ۲۶۵-۲۹۰). در این مقاله سعی شده است، برای نشان دادن تحوّل رباعی، شیوه بهره بردن از ظرفیت‌های حماسی در این قالب ادبی بررسی شود.

تحوّلی که در نفس ادبیات به وجود می‌آید علاوه بر ساختارهای ظاهری مانند وزن، قافیه و ... محتوای آثار ادبی را هم تغییر می‌دهد و به ادبیات جهت‌گیری ویژه می‌بخشد؛ برای آن اهداف و رسالت‌های اجتماعی خاص قائل می‌شود. البته تحوّلی که در این پژوهش مورد نظر است، بیشتر تحوّل معنایی است، نه تحوّل ساختاری که طبعاً در جای خود قابل درنگ است و به گونه‌ای شگرف، تأثیر این قالب ادبی و توان آن را برای انتقال مفاهیم نشان می‌دهد. «هر کس با تحولات شعری تاریخ ادبیات ما و ادبیات دیگر ملل آشنایی داشته باشد، این نکته را به بداهت در می‌یابد که توفیق هر شاعری، کم و بیش در گرو یکی از این دو امر است؛ یا کشف ساختار و صورتی نو- آنگونه که نیما کرد- یا وارد کردن موفقیت‌آمیز یک حال و هوای تازه در ساختاری از پیش شناخته شده و به تعبیری دیگر سنتی» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸: ۲۳).

۲-۲- رباعی و ویژگی‌های آن

رباعی از زیباترین و دلپذیرترین قالب‌های شعر فارسی به شمار می‌رود و با اینکه از لحاظ حجم کوچک است؛ از آنجا که وزنی خوش دارد و مشتمل بر معانی دلپذیر و مضامین لطیف است، همواره مورد توجه سخن‌سرایان قرار گرفته و از آن برای بیان مفاهیم عاشقانه، عارفانه، اخلاقی، مذهبی و گاه سیاسی استفاده شده است.

این قالب شعری که از دیرباز مورد توجه شاعران بوده، نام‌های مختلفی داشته است: «دو بیتی، ترانه، چهاردانه، چهارخانه و بیت» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۵). علی‌الظاهر بر اساس صورت ظاهری و چهار مصرعی بودنش به رباعی مشهور شده است. «منطقی‌تر به نظر می‌رسد، رباعی ناظر به هیئت صوری شعر بوده است و شعر را به اعتبار چهار مصراع مستقل آن رباعی گفته‌اند؛ چنانکه درالسنة فرنگی به اشعار شبیه به رباعی quatrain گویند که مأخوذ از quartar به معنی ربع است» (همان: ۱۷-۱۸).

میرافضلی در مقدمه «هشت چارانه» تاریخ پرفراز و فرود رباعی را به شش دوره تقسیم می‌کند: «دوره نخست، دوره شکل‌گیری رباعی است که از زمان رودکی شروع می‌شود و تا اواخر قرن پنجم هجری امتداد می‌یابد. دوره دوم، قرن ششم و هفتم هجری. دوره سوم، قرن هشتم و نهم و نیمه اول قرن دهم. دوره چهارم، از اواسط قرن دهم تا اواسط قرن دوازدهم. (ظهور و سقوط دولت صفوی) دوره پنجم، از اواسط قرن ۱۲ تا اوایل قرن ۱۴ که آغاز دوران نوجویی است. دوره ششم با ظهور نیا شروع می‌شود و تا روزگار ما ادامه دارد» (صفریگی، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۶).

۲-۳- بازتاب ویژگی‌های حماسی در رباعی

رباعی در دههٔ چهل و پنجاه، تغییراتی را در خود احساس کرد. با پیروزی انقلاب، خون تازه‌ای وارد این قالب کهن سال شعر فارسی شد و شاعران انقلاب با به‌کار بردن روح حماسی در آن، به تهییج مبارزان و جوانان برای حفظ انقلاب و دفاع از این آب و خاک پرداختند. با تحوّل اجتماعی، درمعنای قالب رباعی هم تحوّل به وجود آمد؛ به‌طوری که یکی از پرطرفدارترین و پرمخاطب‌ترین قالب‌ها نزد شاعران و مردم شد. از شاعران تأثیرگذار در جریان رباعی پس از انقلاب، می‌توان به این افراد اشاره کرد: سیدحسن حسینی، قیصر امین پور، حسین

اسرافیلی، مصطفی علی پور، میرهاشم میری، ایرج قنبری، محمدرضا سهرابی نژاد، سلمان هراتی و وحید امیری.

البته این تحول در رباعیات پس از انقلاب، ابتدا به ساکن نبود و پیشینه تاریخی داشت و مسائلی در به وجود آمدن آن دخالت داشت که به گونه‌ای فشرده به آن اشاره می‌شود.

۲-۳-۱- رباعیات کهن با ویژگی‌های حماسی

در گذشته ادب فارسی، رباعیاتی وجود دارد که به مدح، عرفان، فلسفه و... نپرداخته است؛ اما با داشتن کلمات حماسی یا لحن حماسی، می‌توان آنها را در شمار اشعاری قرار داد که روح حماسی بر آنها غلبه دارد. در دیوان فرخی یک رباعی کاملاً حماسی است که در نوع خود نادر است:

یا ما سر خصم را بکوبیم به سنگ یا او سر ما به دار سازد آونگ
قصه درین زمانه پر نیرنگ یک کشته بنام به که صد زنده به ننگ
(فرخی، ۱۳۷۱: ۴۴۷)

بیدل دهلوی هم رباعیاتی دارد که این ویژگی را به خوبی نشان می‌دهد:

ظالم پوشد، لباسی خون بافته را تا زیر کند، خصم زبون یافته را
باسنگدلان شعله خو، سختی کن بردار به آهن، آهن تافته را
(بیدل، ۱۳۷۶: ۱۴۰)

۲-۳-۲- رباعیات مدحی

شاعران مداح حتی از قالب زیبا و کوتاه رباعی نیز، برای مدح ممدوحان استفاده می‌کردند. قهرمان این رباعیات هم که همان ممدوح بود، مثل قهرمان حماسی توصیف می‌شد:

چون روز علم زند به نامت ماند چون یک شبه شد ماه به جامت ماند
تقدیر به عزم تیز گامت ماند روزی به عطا دادن عامت ماند
(رودکی، ۱۳۸۶: ۵۹)

لحن حماسی در رباعی زیر نیز، از دیوان انوری که از یک تازان قصیده و مدح است، درخور تأمل است:

رای تو به هیچ رای خرسند نشد تا همره خسروان خداوند نشد

ریایات تو از پای فلک نشینند تا ملک خراسان چو سمرقند نشد
(انوری، ۱۳۷۶: ۶۷۷)
در دیوان کمال اسماعیل، اصطلاحات حماسی و رزمی در رباعیات فراوان
است:

در رزم چو کوس تو به آواز آمد نصرت با او به طبع دمساز آمد
تیغ تو به قطع و فصل کار دشمن هر جا که برفت سرخ رو باز آمد
(کمال اسماعیل، ۱۳۴۸: ۷۹۸)

۲-۳-۳- لحن حماسی در رباعیات عرفانی

رباعیات عرفانی از آغاز شعر فارسی با آن اقبال خاصی که صوفیان به قالب رباعی داشته‌اند، بسیار مهیج و دلچسب بوده است. عارفان یا خود رباعی سروده یا تعداد زیادی رباعی در حافظه داشته‌اند که در منابع یا کتب از آن بهره‌ها برده‌اند. مضامین مشترکی بین حماسه و عرفان وجود دارد. این مضامین نیز، که روح حماسی رباعیات عرفانی را تأیید می‌کنند، عبارتند از: «خداپرستی، دینداری، ستایش پیامبران و رهبران روحانی، ارجمندی خرد، والایی علم، رفعت مقام انسان در آفرینش، شیطان ستیزی و نفس‌کشی، بشردوستی، نکوهش علایق دنیوی، جبرگرایی، یاد مرگ و رستاخیز و کیفر الهی، روح فتوت و مردانگی، اعتقاد به قدرت‌های فوق طبیعی، جام گیتی‌نما، جام جم، سروش، هاتف غیبی، سیمرغ، فرّه ایزدی، عنایت الهی، دیو، شیطان و...» (رزمجو، ۱۳۷۵: ۱۳۳).
در بخش زیر به نمونه‌هایی از رباعیات عرفانی از چند عارف مشهور اشاره می‌شود:

ما جز به غم عشق تو سر نفرزیم تا سرداریم در غمت در بازیم
گر تو سرما بی سرو سامان داری ماییم و سری در قدمت اندازیم
(ابوسعید ابی‌الخیر، ۱۳۶۹: ۸۸)

سنایی نیز در دیوانش، رباعیات عرفانی دلچسبی با لحن حماسی دارد:
تا بشنیدم که مرگی از آتش تب گرمی سوی دل بردم و سردی سوی لب
مرگست ندیمم از فراغت همه شب تب با تو مرگ با من هست عجب

(سنایی، ۱۳۴۱: ۱۱۱۲)

رباعیات عرفانی مختارنامه عطار نیز، روح حماسی خاص خود را دارد و شور و حال ویژه‌ای در آن دیده می‌شود:

جز تشنگی تو هوسم می‌نکند می‌میرم و سیر آب کسم می‌نکند
چه حيله کنم که هر نفس صد دریا می‌نوشم و می‌خورم، بسم می‌نکند

(عطار، ۱۳۵۸: ۱۳۹)

رباعیات عرفانی علاوه بر اینکه الهام بخش رباعیات حماسی دوران انقلاب شدند، نوعی دید خاص نیز به رباعیات انقلاب با درون مایه عرفانی بخشیدند.

۲-۴- ویژگی‌های زبانی رباعی حماسی

راه‌یابی واژه‌های نو، بسامد اسامی شخصیت‌های مذهبی و تغییر لحن رباعیات پس از انقلاب اسلامی، به این قالب ادبی حیاتی نو بخشید. در بخش زیر، به این نوآوری‌ها اشاره می‌شود:

۲-۴-۱- شخصیت‌های حماسی در رباعیات مدحی

استفاده از شخصیت‌های حماسی و اسطوره‌ای، در رباعیات کهن وجود داشته و زمینه‌ای را برای استفاده از شخصیت‌های حماسی، ملی و دینی در رباعیات پس از انقلاب اسلامی فراهم کرده است. با این توضیح که در رباعیات کهن بیشتر از افرادی چون رستم، سیاوش، آصف، خضر و... نام برده می‌شود و در رباعیات انقلاب، شخصیت‌های دینی وارد شده و به لحن حماسی این قالب ادبی، صبغه مذهبی بخشیده است:

با رای تو صبح ملک بی‌گه خیزست با عزم تو آب تیغ، فتح آمیز است
چون خواجه توان گفت کسی را که به حکم جمشید نشان و کیقباد انگیز است

(انوری، ۱۳۷۶: ۶۶۶)

۲-۴-۱-۱- شخصیت‌های ملی

یکی از رویکردهای حماسی در رباعی انقلاب، استفاده از شخصیت‌های حماسی ملی و دینی است که خود عاملی برای برانگیزانندگی نفوس بوده است. رباعیات انقلاب، با توجه به ماهیت مذهبی آن از نمادهای دینی بیشتر بهره برده‌اند؛

هرچند که نمادهای ملی نیز، در آن وجود دارد. با این توضیح که این نمادها در کنار ترکیبات نو و تصویرآفرینی زیبا در خدمت بیان اندیشه‌های مذهبی شاعر به کار گرفته می‌شوند؛ نظیر رباعی زیر سروده منوچهر تتری:

این خاک که سرسبز و بهاری شده است با خون سیاوش، آبیاری شده است
بر پهنه این کویر بی آب و علف دریا دریا، بهار جاری شده است

(هشت فصل عشق، ۱۳۷۴: ۵۶)

مظلومیت سیاوش و خون به ناحق ریخته‌اش از گذشته دور در این سرزمین، محملی برای قیام علیه ظالم و کین و خونخواهی بوده است. سیدحسن حسینی، واژه دیو را در رباعی، زیر نماد طاغوت، سیاهی و دشمن قرار داده است:

با دیو سیاه شب در آویخته‌ایم در جام جنون باده خون ریخته‌ایم
از باد سحر نشان ما را جوید ما با نفس صبح در آمیخته‌ایم

(حسینی، ۱۳۶۳: ۱۴۲)

۲-۱-۴-۲- شخصیت‌های مذهبی

شخصیت‌ها و قهرمانان مذهبی نیز در رباعی امروز، حضوری پر رنگ دارند:

عیسی چو رسید خلق مسرور شدند تا زد نفسی رها از آن گور شدند
موسی ید بیضا ز بغل کرد برون گوساله پرستان زمان کور شدند

(حسینی، ۱۳۶۳: ۱۱۳)

تقابل نمادها و تلمیح‌های این رباعی، درخور درنگ است. شاعر در بیت اول، با اشاره به نفس عیسوی، زندگی دوباره را به مردم رنج کشیده و ستم‌دیده نوید می‌دهد و در بیت دوم، با یادکرد معجزه حضرت موسی (ع)، نابودی گمراهان را بیان می‌کند؛ در ضمن ترکیبات «ید بیضا» و «گوساله پرست» و واژه «کور» تقابل «نور و ظلمت» را که از واژه‌های کلیدی متون حماسی است، تداعی می‌کند.

حمید سبزواری، مهر امام علی (ع) و فرزندانش را هم سرمایه شجاعت و جنگ‌آوری می‌داند هم حافظ دین و انقلاب و کشور:

تا بر لب خویش نام حیدر داریم کی بیم ز دشمن ستمگر داریم
از مهر علی و یازده فرزندش ما گرد دیار خویش سنگر داریم

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۴۵۷)

۲-۴-۲- جنگ افزارها

تکیه آثار حماسی و محوریت حماسه در شعر کهن، بر ابزار حماسی و نوع کاربرد آنها بوده است؛ به عنوان نمونه از گرزهای بسیار سنگین، شمشیرهای بسیار برنده و زوبین‌های مردافکن یادشده است. در بسیاری از موارد، این ابزار جنگی بوده که در پیروزی مبارزان نقشی عمده داشته است؛ اما در شعر حماسی انقلاب؛ به ویژه رباعی، شاعر در یادکرد ابزار رزمی تلاش می‌کند، نیروی معنوی و اراده الهی را غلبه دهد.

در رباعیات انقلاب، ابزار آلات جنگی صرفاً برای غلبه بر دشمن و کین کشی از او نیست بلکه عاملی برای احیای دین حق و یآوری برای مبارزه با کافران است. در رباعی زیر، روی سخن با کسی است که با قرآن آشناست، با دیوان جنگیده و باید با مسلسل ایمان در برابر کفر به دفاع پردازد:

این تازه نهال آب خون می‌خواهد پیمانۀ حق شراب خون می‌خواهد
ای دوست مسلسلی که ایمان به خداست باروت شرف، خشاب خون می‌خواهد

(همان: ۱۵۳)

نوآوری شاعر در عرصه کاربرد ابزار جنگی را در این رباعی، به درستی می‌توان دریافت؛ علاوه بر آنکه رزم آوری مبارزان راه حق را نشان می‌دهد، غلبه ارزش‌ها و فضایل اخلاقی را در تفکر مبارزان بیان می‌کند.

پرچم که به نام‌های درفش، علم و ... خوانده می‌شده و برافراشته بودن آن در میدان نبرد، نشانه پایداری مبارزان بوده است، در رباعی زیر نماد شهادت و پیوستن به حق و به گونه‌ای رسیدن به پیروزی دانسته شده است:

بنگر به شکوه سوی حق تاختنش بر قلۀ عشق پرچم افراشتنش
فتح است درین معرکه سردادن او برد است درین میانه جان باختنش

(حسینی، ۱۳۶۳: ۱۶۳)

۲-۴-۳- شعارهای انقلابی

از موارد تأثیرگذار در تحول رباعیات، شعارهای انقلابی بود. این شعارها که گاهی ارتجالی ساخته می‌شد و صاحب آن معلوم نبود، حاوی پیام‌های انقلاب و جهان بینی مکتب به صورت بسیار خلاصه و گویا و همچنین موزون، آهنگین و

زیبا بود. این شعارها به علت کم حجم بودن، در آغاز برای گفتن معانی بلند و جهان بینی‌ها به کار گرفته می‌شد. همین شعارها بعدها، جای خود را در قالب رباعی باز کرد. طبیعی است که شعارهای موجز، نیاز به قالبی کوتاه و بدون حاشیه داشت که بتواند در لباسی نو به حیات خود ادامه دهد.

با توجه به آیه «لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم» (نساء: ۱۴۸) باید گفت شعارها در جای خود بسیار کارساز و سلاحی کوبنده‌اند و این موضوع در حال حاضر در تمام انقلاب‌های دنیا اعم از انتفاضه، بیداری اسلامی، اعتراضات علیه سرمایه داری و... کاملاً ملموس و محسوس است. «شعر زبان خواص است؛ اما شعار زبان همه است. شعر هم وقتی نقش خود را در حرکت توده‌های به پاخاسته ایفا می‌کند که از حیث قالب، وزن، مضمون و الفاظ، به زبان ادبی آنانکه شعار می‌نمایند نزدیک شود» (صنعتی، ۱۳۸۹: ۹۲).

استفاده رباعی سرایان از شعار به دو صورت زیر دیده می‌شود:

الف) مستقیم و بدون تغییر

در اوایل جنگ شعارها، مستقیماً در اشعار قرار می‌گرفتند؛ مانند رباعی زیر از سید حسن محمودی (سهیل):

از دست منه تفنگ تا پیروزی ننگ است دمی درنگ تا پیروزی
دانی چه بود پیام یاران شهید این است که «جنگ جنگ تا پیروزی»

(صنعتی، ۱۳۸۹: ۷۱)

ب) استفاده از مضمون شعارها

به تدریج شعارها فقط مضمون شعری بودند و همراه با تصاویر و زیبایی هنری در شعرها مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

حمید سبزواری، سه شعار «الله اکبر»، «خون بر شمشیر پیروز است» و «شیطان بزرگ آمریکاست» را در یک رباعی جمع کرده است:

در جبهه بیا صلابت شیر نگر شیطان بزرگ را زمین گیر نگر
گلبانگ دلاوران به تکبیر شنو پیروزی خشم و خون به شمشیر نگر

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۴۶۷)

یکی از شعارهای روحیه بخش که مخصوصاً در مسیر رزمندگان، روی سریندها و... زیاد کاربرد داشت، این بود که «تا کربلا راهی نیست». ساعد باقری برای ایجاد روحیه در رزمندگان، این شعار را در رباعی زیر به کار برده است:

ای گاه نبرد همچنان شریزه پلنگ ای سر به خدا سپرده در عرصه جنگ
تا منزل عشق-کربلا-راهی نیست بگذار خشاب بار دیگر به تفنگ

(باقری، ۱۳۶۵: ۷۷)

به پندار نویسندگان این جستار، نمونه‌های بسیاری را در این قالب ادبی می‌توان نشان داد که ظرفیت‌های کاربردی ادبیات؛ به‌ویژه شعر و قدرت بسیار تأثیرگذار آن را در روابط اجتماعی، ایجاد انگیزه و روحیه‌بخشی به روشنی نشان می‌دهد. نمونه آن رباعی بالاست. در آمیختگی واژه‌های حماسی نو و کهن، ترکیبات مناسب و لحن کوبنده شعر؛ به‌ویژه در مصراع آخر، بخشی از این ظرفیت را آشکار می‌کند. رباعی سرایان پس از انقلاب اسلامی، در کنار جست و جو برای یافتن زبانی نو و تلاش برای افق خواننده، از این توانایی شعری نیز، به خوبی بهره برده‌اند.

۲-۵- ویژگی‌های محتوایی رباعی حماسی

می‌توان گفت عمده‌ترین تحوّل که در رباعیات پس از انقلاب اسلامی رخ داد، تحوّل محتوایی بود. دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و به ویژه رخداد عظیم جنگ تحمیلی از دلایل اصلی این تحوّل شمرده می‌شود.

۲-۵-۱- عرفان و حماسه در رباعیات انقلاب اسلامی

شاعران انقلاب با فرهنگ اسلامی آشنا بودند؛ حماسه و عرفان را با خود داشتند؛ اخلاق و کرامت را دیده بودند. همه اینها در کنار هم نوعی اشعار را به وجود آورد که می‌توان به آنها، اشعار عارفانه حماسی گفت. رباعی نیز، از این اصل برکنار نبود و عرفان حماسی در آن تأثیر گذاشت. سیدحسن حسینی، واژه‌های عرفانی «عشق» و «انا الحق» را در رباعی زیر آورده است:

تا خاک ز خون پاک رنگین نشود این دشت برهنه لاله آذین نشود
تا لاله رخان بانگ اناالحق نزنند دیباچه سرخ عشق تدوین نشود

(حسینی، ۱۳۶۳: ۱۳۷)

عزیزالله خدای، در رباعی زیر اشاره به تقدس نبرد و جنبه عرفانی آن دارد:
در دایره بلا بلی باید گفت لیک به نعره جلی باید گفت
ای صف شکنان مکتب ثارالله جنگ شرف است، یا علی باید گفت

(بیگی حیب آبادی، ۱۳۷۴: ۱۱۷)

از نشانه‌های توجه حماسی به واقعه عاشورا، تغییر متفاوت مفهوم مرگ در اندیشه عاشوراییان است که در شعر انقلاب اتفاق می‌افتد. در این نگاه مرگ، زیون و ذلیل است و هیچ‌یک از شخصیت‌های عاشورایی پروا و پرهیزی از مرگ ندارند. نگاهی که در اندیشه عرفانی ما با استقبال از مرگ و بی‌قراری در رسیدن به وصال معشوق، تفسیر می‌شود:

آهنگ وداع و ترک یاری دارد گویی که سر شگفت کاری دارد
بر دوش گرفته جان چو باری سنگین بی تاب که با مرگ قراری دارد

(امین پور، ۱۳۷۴: ۵۸۹)

۲-۵-۲- رباعیات عاشورایی

یکی دیگر از موارد تأثیرگذار در رباعیات انقلاب، عاشوراست که از یک طرف با مفاهیم عرفانی و از سوی با روحیه سلحشوری در پیوند است. درس‌های عرفانی و حماسی عاشورا و پیام‌های آن در اشعار انقلاب، بازتاب بسیار ویژه‌ای دارد؛ زیرا در انقلاب پاسداشت عاشورا، حیاتی دوباره یافت و روح تازه‌ای در آن دمیده شد؛ البته دیرینگی رباعی عاشورایی را می‌توان تا عصر حافظ با شاعر شیعی این عهد؛ یعنی سلمان ساوجی، ردیابی کرد:

ای دیده اگر هزار سیل انگیزی خاک همه تمیز به خون آمیزی
از عهده ماتمش نیایی بیرون بی فایده آب خود چرا می‌ریزی

(سلمان ساوجی، ۱۳۶۷: ۳۶۸)

کارکرد عناصر حماسی در رباعیات عاشورایی انقلاب، بسیار پررنگ است؛ البته این نوع شعر فقط به سوگ و مرثیه شهدای کربلا نمی‌پردازد؛ بلکه با رویکردی جدید، علاوه بر بیان جنبه‌های حماسی واقعه کربلا به مسائلی همچون دلایل وقوع حادثه عاشورا، جوانمردی، وفا، کرامت، پیام عاشورا و قهرمانان

دشت نینوا از جمله: حضرت زینب و حضرت امام سجّاد - علیهما السلام - و دیگر یاران با وفای حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام توجه می‌کند. محمد جواد غفورزاده شفق در رباعی زیر آورده است:

عباسم و در پی خطر می‌گردم دور و بر خیمه بیشتر می‌گردم
صد بار اگر علقمه را فتح کنم لب تشنه تر از گذشته بر می‌گردم

(جلیلیان مصلحی، ۱۳۸۶: ۱۴۰)

یکی از تفاوت‌های رباعیات عاشورایی بعد از انقلاب با قبل از آن، توجه به پیام‌های عاشورا در رباعیات پس از پیروزی انقلاب است. سهرابی نژاد در رباعی زیر، هدف از قیام امام حسین (ع) را که در واقع برپای داشتن دین و شیوه زندگی شرافتمندانه و جوانمردانه است، اینگونه فریاد می‌زند:

توفید به ظالمان، لب از گفته ندوخت در وحشت شب، چراغ خونین افروخت
او تشنه یاور است، نه، مرثیه خوان مردی که «چگونه زیستن» را آموخت

(همان: ۹۷)

یکی از مضامین مهم حماسی، انتقام است که در رباعیات عاشورایی نیز، به آن پرداخته شده است. سهرابی نژاد، در رباعی زیر به انتقام مختار و قیام توأین اشاره دارد:

طوفان حوادث که فرو بنشینند توأب شود هر که شهیدت بیند
فرداست که مختار به خونخواهی تو این هرزه علف‌های زمین برچیند

(سهرابی نژاد، ۱۳۸۷: ۹۹)

نکته بسیار مهم در این است که بحث انتقام در اینجا با مفهوم انتقام در آثار حماسی کاملاً متفاوت است. انتقام از قاتلان آن مولای غریب، انتقام از هر ظالمی در هر جای دنیا و یاری مظلوم است و همین دید است که به این انتقام معنویت می‌بخشد. قیام علیه بیداد در قالب انتقام، کاری اهورایی است؛ به همین دلیل در رباعیات عاشورایی به این موضوع در شکل مقابله با ستم و دفاع از ستم کشیدگان پرداخته شده است.

۲-۵-۳- ستایش شهیدان

«گرامی داشت شهیدان و مظلومان نیز، از دیر زمان در میان ما ایرانیان مرسوم بوده است؛ چنانکه در تاریخ بخارا به مناسبت بنای حصار بخارا که به سیاوش منسوب است،

از کشته شدن ناجوانمردانه او به فرمان افراسیاب سخن رفته است و نوحه‌های مردم بخارا در کشته شدن وی که در همه ولایت‌ها معروف بوده است و سرود در این باب ساخته بوده‌اند و قولان آن را (گریستن مغان) می‌نامیدند» (یوسفی، ۱۳۷۱: ۲۸۰) در رباعی انقلاب شهید و شهادت جایگاه ویژه‌ای دارد. گاهی مستقیماً از کلمه شهید یا شهادت در رباعیات استفاده شده است؛ مانند نمونه زیر از احمداسداللهی:

میزان دقیق حق پرستی است شهید سرچشمه عشق و شور و مستی است شهید
در ذات و صفات حضرت حق محو است تندیس کمال کل هستی است شهید

(اسدی، ۱۳۸۸: ۲۰)

رباعیاتی هم وجود دارند که واژه شهید و شهادت در آنها دیده نمی‌شود، اما این مضمون به گونه‌ای تلویحی از آنها دریافت می‌شود:

کس راز حیات او نداند گفتن بایست زبان به کام خود بنهفتن
هر چند میان خون خود خفت ولی سوگند که خون او نخواهد خفتن

(امین پور، ۱۳۷۴: ۶۲)

۲-۵-۴- ستایش مجاهدان

مبارزان و مجاهدان که به صیانت از وطن می‌پردازند؛ علاوه بر شجاعت، سخت‌کوشی و پایداری به تمام خوبی‌ها آراسته‌اند و اسوه ملّت به شمار می‌آیند. این موضوع باعث می‌شود که شاعران فصلی را به ستایش قهرمانان ملی اختصاص بدهند؛ البته در حماسه هم قهرمانان و پهلوانان نماد خوبی‌ها هستند.

در رباعی انقلاب، ستایش رزمندگان یکی از راه‌های تهییج مردم برای شرکت در مبارزه و دفاع از ارزش‌هاست. این ستایش‌ها به شکل‌های مختلف دیده می‌شود: یا همراه یادکرد نام بعضی از افراد است یا گروهی مانند سربازان، پاسداران و یا بدون اشاره به شخص و گروهی خاص. رباعیات زیر، بدون نام بردن از شخص یا گروهی ویژه به بیان عظمت رزمندگان پرداخته است:

می‌ساخت که از زمره معماران بود می‌سوخت که از نماد تباران بود
چون رعد، که از صحابه باران بود در بیشه آسمان شب می‌گرید

(حسینی، ۱۳۶۳: ۱۲۶)

بعضی از رباعیات به ستایش از گروهی خاص پرداخته‌اند؛ از جمله رباعی، زیر سروده «سید حیدرعلی آران» که به پاسداران انقلاب اسلامی توجّه کرده‌است:

سردار سپاه، پاسداران بودند عاشق به حسین، سرداران بودند
با بیبرق فتح لشکر عاشورا در کرب و بلای جان نثاران بودند

(اسرافیلی، ۱۳۸۵: ۲۳)

۲-۵-۵- دشمنان

کشور ایران از دیرباز دشمنان زیادی داشته است. در شاهنامه به‌طور معمول، دیوها، تورانیان و گاه رومیان و تازیان دشمن معرفی می‌شوند و بسیاری از داستان‌های شاهنامه در شرح دفع این دشمنان است. در رباعیات انقلاب، با توجّه به رویکردهای جدید فرهنگی، اجتماعی و مذهبی، چهره منفی دشمن به اشکال مختلف نشان داده شده‌است. گاهی به عناوین کلی دشمن، خصم و زمانی به عناوین فرعی منافق، نامرد و امثال آن یا اسامی شخص مثل «صدام». در هر صورت همان‌طور که در متون باستانی نیز، دشمنان نه فقط دشمن‌اند؛ بلکه به بداخلاقی و بدذاتی نیز موصوف‌اند، در رباعیات انقلاب هم بدی‌های دشمن مورد تأکید قرار گرفته و در اصل مردم مسلمان ایران برای برانداختن بدی و بداخلاقی به مقابله با این دشمنان برخاسته‌اند. در مواردی نیز که این مقابله‌ها به نبرد منجر می‌شود، انگیزه پاسداری از ارزش‌های دینی و انقلابی مطرح است:

جمهوری ما نشانگر اسلام است افکار پلید فتنه جویان خام است
ملت به ره خویش جلو می‌تازد صدام به دست خویش در صد دام است

(امام، ۱۳۷۹: ۱۹۵)

محمد‌رضا سهرابی نژاد در رباعی زیر، خوشحالی دشمنان را در شهادت مبارزان با بهره‌گیری از عنصر نماد به تصویر کشیده و پندار و خیال آنها را خام و بیهوده دانسته است:

آن خام خیال‌ها، به رقص آمده‌اند از مرگ بلال‌ها، به رقص آمده‌اند
لنگان شده پای مرغ حق، پندارند کاین گونه شغال‌ها به رقص آمده‌اند

(سهرابی نژاد، ۱۳۶۹: ۷۲)

- ۲- ابوسعید ابوالخیر، (۱۳۶۹). دیوان، تهران: انتشارات محمد.
- ۳- اسدی، غلامحسین، (۱۳۸۸). ثابیه صفر (اشعار برگزیده جشنواره‌های شعر دفاع مقدس استان کرمان ۱۳۸۵-۸۶) کرمان: انتشارات اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان کرمان.
- ۴- اسرافیلی، حسین، (۱۳۸۵). زخم سیب (مجموعه اشعار پانزدهمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس) تهران: نشر صریح.
- ۵- اسماعیلی، رضا، (۱۳۹۰). از آب تا آفتاب (تأملاتی در حوزه شعر انقلاب شعر دفاع مقدس و ادب آیینی) تهران: انتشارات انجمن قلم ایران.
- ۶- امین پور، قیصر، (۱۳۸۶). سنت و نوآوری در شعر معاصر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۷- انوری ایبوردی، اوحدالدین، (۱۳۸۶). دیوان (ج ۲) به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ۸- باقری، ساعد و محمدرضا محمدی نیکو، (۱۳۷۲). شعر امروز، تهران: انتشارات بین-المللی الهدی.
- ۹- باقری، ساعد، (۱۳۶۵). نجوای جنون (مجموعه شعر) تهران: انتشارات برگ.
- ۱۰- بیگی حبیب آبادی، پرویز، (۱۳۷۴). گل، غزل، گلوله (مجموعه شعر) تهران: انتشارات بنیاد حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۱۱- جلیلیان مصلحی، مصطفی، (۱۳۸۶). گنجینه عاشورا، مشهد: انتشارات رستگار.
- ۱۲- حسن لی، کاووس، (۱۳۸۶). گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، تهران: نشر ثالث.
- ۱۳- حسینی، سیدحسن، (۱۳۶۳). هم صدا با حلق اسماعیل (مجموعه شعر) چاپ دوم، تهران: واحد انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۴- خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۹). دیوان، چاپ بیست و هفتم، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۱۵- ده بزرگی، ژیللا، (۱۳۸۸). مضامین حماسی و مقایسه آن با شاهنامه فردوسی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۶- دهلوی، بیدل، (۱۳۸۶). دیوان، به تصحیح اکبر بهاروند، تهران: نگاه.
- ۱۷- رزمجو، حسین، (۱۳۷۵). انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی فارسی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- ۱۸- رودکی، عبدالله، (۱۳۸۶). منتخبی از سروده‌ها، به کوشش غلامرضا رضائیان، تهران: انتشارات شیرمحمدی.
- ۱۹- سبزواری، حمید، (۱۳۸۶). سرود سپیده، تهران: مؤسسه کیهان.

- ۲۰- سنایی غزنوی، ابوالمجد محمدودین آدم، (۱۳۴۱). **دیوان**، با مقدمه و حواشی و فهرست به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران: کتابخانه ابن سینا.
- ۲۱- سنگری، محمدرضا، (۱۳۸۰). **نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس**، تهران: انتشارات پالیزان.
- ۲۲- سهرابی نژاد، محمدرضا، (۱۳۸۷). **از صاعقه تا باران (رباعی و دویتی)** تهران: اطلاعات.
- ۲۳-،، (۱۳۶۹). **اشارات اشک**، تهران: انتشارات برگ.
- ۲۴- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۸). **دراقلیم روشنایی**، چاپ پنجم، تهران: آگاه.
- ۲۵- شمیسا، سیروس (۱۳۷۶). **انواع ادبی**، چاپ پنجم، تهران: فردوسی.
- ۲۶-،، (۱۳۸۷). **سیر رباعی**، چاپ سوم، تهران: نشر علم.
- ۲۷- صفریگی، جلیل، (۱۳۹۱). **هشت چارانه**، با مقدمه و گزینش سیدعلی میرافضلی، تهران: فصل پنجم.
- ۲۸- صنعتی، محمدحسین، (۱۳۸۹). **آشنایی با ادبیات دفاع مقدس**، تهران: انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۲۹- عبدالملکیان، محمدرضا، (۱۳۶۸). **رباعی امروز**، تهران: انتشارات برگ.
- ۳۰- عطارنیشابوری، فریدالدین، (۱۳۵۸). **مجموعه رباعیات (مختار نامه)**، به تصحیح و مقدمه و حواشی محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: توس.
- ۳۱- فرخی سیستانی، علی‌بن جولوغ، (۱۳۷۱). **دیوان**، به کوشش محمد دبیرسیاقی، چاپ چهارم، تهران: کتاب‌فروشی زوآر.
- ۳۲- کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، ابوالفضل، (۱۳۴۸). **دیوان**، به اهتمام حسین بحرالعلومی، تهران: انتشارات کتاب‌فروشی دهخدا.
- ۳۳- میرافضلی، سیدعلی، (۱۳۸۳). **گوشه تماشای (رباعی از نیما تا امروز)** تهران: نشر کازرونیه.
- ۳۴- **هشت فصل عشق**، مجموعه اشعار چهارمین کنگره شعر دفاع مقدس، ارومیه مهرماه ۱۳۷۳، (۱۳۷۴) چاپ دوم، تهران: انتشارات ستاد کل نیروهای مسلح، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.